

## شاهزاده‌های ایرانی در سینوب (سده ۱۸ میلادی)<sup>۱</sup>

نویسنده: ابراهیم گولر<sup>۲</sup>

مترجم: اسراء دوغان<sup>۳</sup> - طاهر بابائی<sup>۴</sup>

دولت عثمانی بر اساس قانون خویش، شاهزاده‌هایی را که از دولت‌ها و خاندان‌های همسایه به آنها پناهنده شده بودند، باز پس نمی‌داد و آنها را مورد عزت و احترام قرار می‌داد؛ هم چنین به اندازه گذران زندگی ایشان، مقرری معینی اختصاص داده می‌شد. [دولت عثمانی، شاهزاده‌های پناهنده را] گاه در استانبول و گاه در سایر سرزمین‌ها، مورد ملاحظت قرار می‌داد و این امکان را برایشان فراهم آورده بود که بتوانند به طریقه مألوف خویش، زندگی نمایند.<sup>۵</sup>

در میان سرزمین‌های دولت عثمانی که شاهزادگان و نزدیکانشان بدان پناه آورده بودند، شهر سینوب نیز دیده می‌شود. در قرن ۱۸م، سینوب شهر و بندری بزرگ با قدمتی تاریخی بوده و به ویژه از لحاظ تجاری، یکی از مراکز حمل و نقل محسوب می‌گردیده است. همچنین در لشکرکشی به ایران، کریمه (قریم) و کفه (Kefe)، محل اجتماع و گسیل سپاهیان بوده است. پناه دادن به شاهزاده‌های دولت‌های همسایه و میزبانی از آنان، در چهارچوب جدال‌های دولت عثمانی با دُول همسایه، نقش برجسته‌ای ایفا می‌نموده است. سینوب میزبان شاهزاده‌های بیگانه‌ای بود که از سوی شاهان ایرانی به آنجا روی آورده بودند. از میان

1. XVIII. Yüzyılda Sinop'ta İnan Şahzadeleri, İbrahim Güler, TTK, Ankara, 1995, Hakkı Dursun Yıldız Armağanı, Ayrı basım

۲. دکتر ابراهیم گولر (İbrahim Güler)، دانشکده ادبیات دانشگاه نوزده مایس، گرایش تاریخ.

۳. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران. Esra-dogan@hotmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران. Taherbabaei۶۵@gmail.com

۵. نک: م. منیر آق تپه و شمعدانی زاده، فندقلیلی سلیمان افندی، مرئ التواریخ، ج ۱، استانبول، ۱۹۷۶، ص ۱۳۲.

کسانی که به دولت عثمانی پناهنده شده بودند و در سینوب اقامت داشتند، می توان به همسر میرزا صفی، الی پردلی صفی یا میرزا سام و صفر غازی میرزا اشاره کرد. در فرمان های متعددی، از آوردن شاهزادگان و نزدیکان آنان از مناطق مختلف و اسکان یا حبس آنان در سینوب، سخن رانده شده است. دولت عثمانی به اقتضای سیاستی که در قبال دولت های همسایه در نظر گرفته می شد، از شاهزادگان پناهنده ایرانی بهره جسته است و حتی از نامیدن آنان به عنوان حاکم نیز فروگذار نکرده است. [دولت عثمانی] شاهزاده انتخابی خویش را با ادعای سلطنت، به عنوان حاکم اعلام نموده و از وی پشتیبانی می کرد و از نزاع به وجود آمده میان شاه حاکم در ایران و شخص مورد پشتیبانی خویش، در پی تضعیف [دولت ایران] بر می آمد. به این ترتیب، شاه حاکم در ایران، با توسعه سیاست گذاری ضد عثمانیان در پی بازگرداندن آنان بود. در این وضعیت، سینوب به دلیل میزبانی از شاهزاده های ایرانی، به سیاست خارجی دولت عثمانی کمک شایانی می کرد.

در اسناد، اولین شخص خارجی که مجبور به اقامت در سینوب شد، زنی به نام «کارچی باشی قیزی»<sup>۱</sup> بود که همسر میرزا صفی، از شاهزادگان ایرانی بوده است.<sup>۲</sup>



۱. به نظر می رسد منظور از کارچی باشی (karıcıbaşı)، همان قورچی باشی باشد، زیرا در دوره صفوی منصب یا نامی به این شکل دیده نمی شود. لازم به ذکر است که واژه مشابه قوریچی باشی در منابع عثمانی به چشم می خورد (محمود شوکت، عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه سی، مطبعه مکتب حربیه، بی جا، ج ۱، ص ۱۳). (مترجم)  
2. Başbakanlık Osmanlı Arşivleri, (BOA)Muhimme Defteri no 153 s. 92 vesika 2-3 , zilhicce 1159

میرزا صفی، شوهر کاریجی باشی قیزی، از خاندان صفوی نبود و هنگام محاصره شاه سلطان حسین صفوی در اصفهان به دست نادر شاه افشار (۱۱۴۳ق / ۱۷۳۰م)، به عثمانیان پناهنده شده بود.<sup>۱</sup> باب عالی، این شاهزاده ایرانی - میرزا صفی، محمدعلی رفسنجانی - را با عجله به استانبول دعوت کرد. میرزا صفی خود را به عنوان فرزند شاه سلطان حسین صفوی معرفی نمود. عثمانیان نیز او را تصدیق کرده، شاه جدید ایران اعلام کردند<sup>۲</sup>؛ میرزا صفی پس از پناهندگی، ابتدا در سلانیک و رودس اسکان داده شد<sup>۳</sup>؛ سپس از رودس به گلی بولی (گالیپولی) آورده شد و در سال ۱۱۵۶ق / ۱۷۴۳م از آنجا به ازمیت (ازنیقمد) منتقل گردید و مورد احترام قرار گرفت. وی از آنجا به استانبول فرستاده شد و در کاخ «کایا سلطان» واقع در «قاضی کوی» اسکان داده شد.<sup>۴</sup>

میرزا صفی پس از اینکه مقبول پادشاه واقع شد، به وی مقام «شاه ایران» اعطا گردید و با توجه به شرایط، به ازمیت فرستاده شد. هنگام عبور نادر شاه افشار از مرزهای عثمانی، به ایران اعلان جنگ داده شد (۲۳ ایلول ۱۷۴۳م). وی در همان روز برای رویارویی با نادر، از ازمیت به ارزروم فرستاده شد (شعبان ۱۱۵۶ق / ایلول ۱۷۴۳م). از طرف دولت عثمانی به سرعسکر قارص (Kars)، احمد پاشا - وزیر اعظم سابق - دستور داده شد که برای میرزا صفی با عنوان «شاه ایران» به تبلیغ بپردازد.<sup>۵</sup>

در معاهده قصر شیرین با ایران صلح صورت گرفت. (۱۷ شعبان ۱۱۵۹ق / ۴ ایلول ۱۷۴۶م). [بدین ترتیب] دیگر به میرزا صفی که از طرف عثمانی به عنوان شاه ایران منصوب شده بود، نیازی نبود و وی باید از ارزروم عقب‌نشینی می‌کرد. در این خصوص، فرمانی به وی صادر شد.<sup>۶</sup> به موجب «امر عالی شأن» یکی از «گدیک» (مأمور) های «درگاه معلی» به نام علی، مأمور بازگرداندن میرزا صفی به «آستانه سعادت» گردید. علی که منصب مهمانداری داشت، این مسئولیت را بر عهده گرفت.<sup>۷</sup> میرزا صفی به دلیل صلح با نادرشاه، از عثمانیان دلشکسته شده بود و به روایت فندقلیلی سلیمان افندی (شمعدانی زاده)، در پی گستاخی

۱. شمعدانی زاده، ج ۱، همان؛ مینورسکی، مدخل نادر، I.A؛ اوزون چارشیلی، تاریخ عثمانی (از صلح کارلوویتز تا اواخر سده ۸م)، ج ۴، چاپ سوم، آنکارا، ۱۹۸۲، ص ۳۰۲؛ این سخن اشتباه است، زیرا در سال ۱۱۴۳ق اشرف افغان در اصفهان، به وسیله نادر محاصره گردید. (نک: لارنس لاکهارت، *انقرض دولت صفویه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳). (مترجم)

۲. نک. مینورسکی، ذیل مدخل؛ پذیرش این سخن که این شاهزاده، فرزند شاه سلطان حسین صفوی است، دشوار است، اما عثمانیان به منظور ملتهد نمودن اوضاع ایران، از این شاهزاده بهره جستند. (نک: اوزون چارشیلی، ج ۴، همان. فقط در جای دیگری در مورد فرزندان شاه سلطان حسین، از صفی - برادر طهماسب - که همراه وی از اصفهان گریخته بود، سخن گفته شده است (همان).

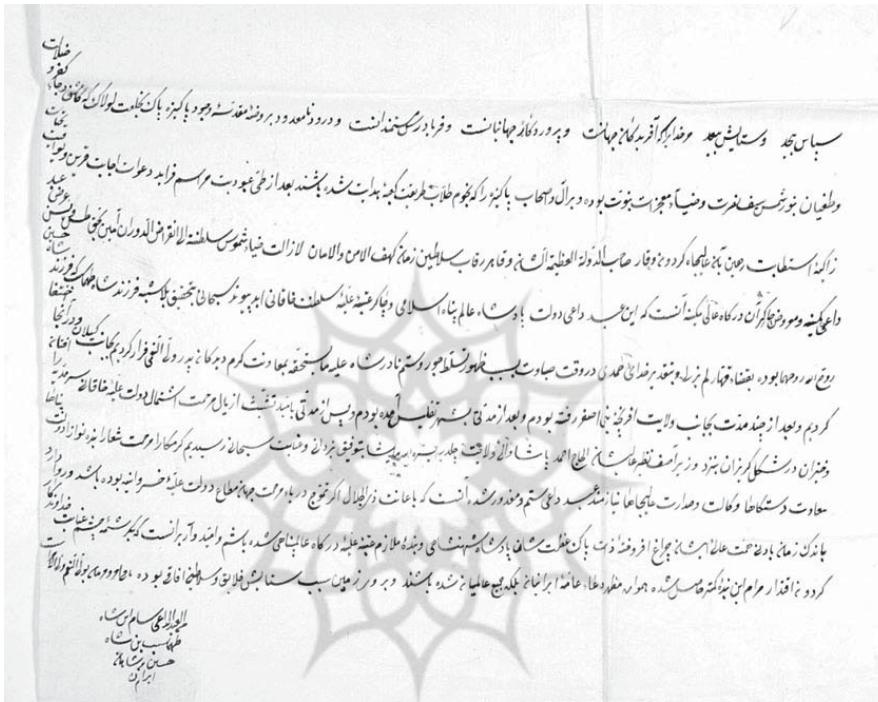
۳. مینورسکی، ذیل مدخل.

۴. اوزون چارشیلی، همان.

۵. اوزون چارشیلی، ج ۴، ص ۳۰۵.

۶. همان، ج ۴، ص ۳۰۹.

برآمد. [بدین سبب] مطابق فرمان صادره، در قلعه قره حصار شرقی زندانی شد و قلعه بند<sup>۱</sup> گردید. مصطفی قیساریلی که منصب سلاحدار علی (مهماندار) را بر عهده داشت و از گدیک‌های «درگاه معلی» بود، مجری مجازات میرزا صفی شد<sup>۲</sup>. بر حسب روایت شمعدانی زاده، میرزا صفی به سبب جلب رضایت نادرشاه، در قلعه سامسون زندانی گردید و با قلعه بند شدن مجازات شد<sup>۳</sup>.



پیام بهارستان / د. س. ش. ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

### پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هنگامی که میرزا صفی به منظور قلعه بند شدن به قلعه سامسون فرستاده می‌شد، همسرش - کاریجی باشی قیزی - نیز به همین منظور به قلعه سینوب فرستاده شد. این زن که با نام کاریجی باشی قیزی (دختر کاریجی باشی) مشهور شده است، زنی فتنه‌گر و نا آرام بود. وی با اموال و خدمه‌اش به قلعه سینوب فرستاده شد و طبق دستور، در آنجا اقامت گزید و حبس گردید. هم چنین، همسرش - میرزا صفی - را برای قلعه

۱. قلعه بند به کسی اطلاق می‌شود که به سبب ارتکاب جرمی، محکوم به عدم خروج از حصار قلعه شده باشد(نک: فریت دولی اغلو، فرهنگ لغات عثمانی - ترکی، چاپ افست، آنکارا، ۱۹۷۸، ص ۵۸۰؛ مدحت سرت اغلو، لغات تاریخ عثمانی، چاپ دوم، استانبول، ۱۹۸۶، ص ۱۶۸).

2. BOA, Mühimme Defteri, no 153 s 92

۳. شمعدانی زاده، ص ۱۳۲.

بند شدن، راهی سامسون نمودند.

هنگام فرستادن میرزا صفی به سامسون، ایجاب گردید که کاریجی باشی قیزی نیز به قلعه سینوب آورده شود. بدین ترتیب شاهزادگان ایرانی (میرزا صفی و همسرش)، یکی در سامسون و دیگری در سینوب قلعه بند شدند. کسانی از «چاوش» های «دیوان همایون» و «تاتارهای صدر اعظم»، برای آوردن کاریجی باشی قیزی از قره حصار شرقی به قلعه سینوب موظف گردیدند. تعدادی چاوش و تاتار مباشر (پیشکار)، برای این امر و برای حبس یا اسکان وی در آنجا، تأمین شدند. به منظور انتقال همسر میرزا صفی به قلعه سینوب، از مسئولان مذکور خواسته شد که با تمام دقت، فرصت انجام حرکات ناشایست (مانند فتنه گری و ایجاد ناآرامی) را به این زن ندهند. در مورد این مسئله، به دژدار<sup>۱</sup> قلعه سینوب، هشدار داده شده بود. از طرف چاوش و تاتار مباشر از دژدار قلعه خواسته شد که هنگام آوردن کاریجی باشی قیزی به قلعه سینوب به سخنان وی اعتنایی نکند و [از این امر] غافل نگردد. بر این اساس، دژدار می‌بایست نزد خویش یا داخل قلعه، مکان مناسبی برای اقامت و مراقبت از کاریجی باشی قیزی تدارک ببیند. به قاضی و دژدار قلعه دستور داده شد که از نقل مکان کاریجی باشی قیزی از سینوب به مکان دیگر، جلوگیری نمایند و در محافظت از وی دقت کند.<sup>۲</sup>

علاوه بر کاریجی باشی قیزی، دومین شخص ایرانی الاصلی که با مجازات قلعه بند شدن، مجبور به اقامت در سینوب شد، آلی پردلی صفی<sup>۳</sup> است. بنا به گفته خودش، از فرزندان طهماسب [دوم] فرزند سلطان حسین صفوی و برادرزاده صفی میرزای فرستاده شده به قارص بود که پیش از سایر اولاد صفویان، به ایروان<sup>۴</sup> رفته بود. صفی میرزا، برادر طهماسب و عموی آلی پردلی صفی بود. آلی پردلی صفی در زمان نادرشاه گریخته و به مسکو رفته بود؛ مدتی در آنجا اقامت گزید و سپس به تفلیس آمد. بعدها نیز از تفلیس به چلدر<sup>۵</sup> آمده بود. آلی پردلی صفی، آنچه را در مسیر آمدنش به تفلیس اتفاق افتاده بود، برای خان‌ها<sup>۶</sup> حکایت کرد و نزد آنان اقامت نمود؛ همچنین مقامات آنجا را از عرض حال و درخواست پناهندگی اش به دولت عثمانی، مطلع نمود و این مسئله را به «عطیه علییه حضرت جهاندار» عرض کرده، درخواست حمایت کرد.

1. Dizdar

2. BOA, Mühimme Defteri, no. 153 s 92

3. Eli Perdeli Safi

4. Revan

5. در یک شجره‌نامه متعلق به خاندان صفوی، از میان فرزندان شاه طهماسب دوم، تنها به شاه عباس سوم و ابراهیم میرزا اشاره شده است و از آلی پردلی صفی ذکری به میان نیامده است (تحسین یازیجی، مدخل صفویه، I.A).

6. BOA, Cevdet HAriciye, no. 828

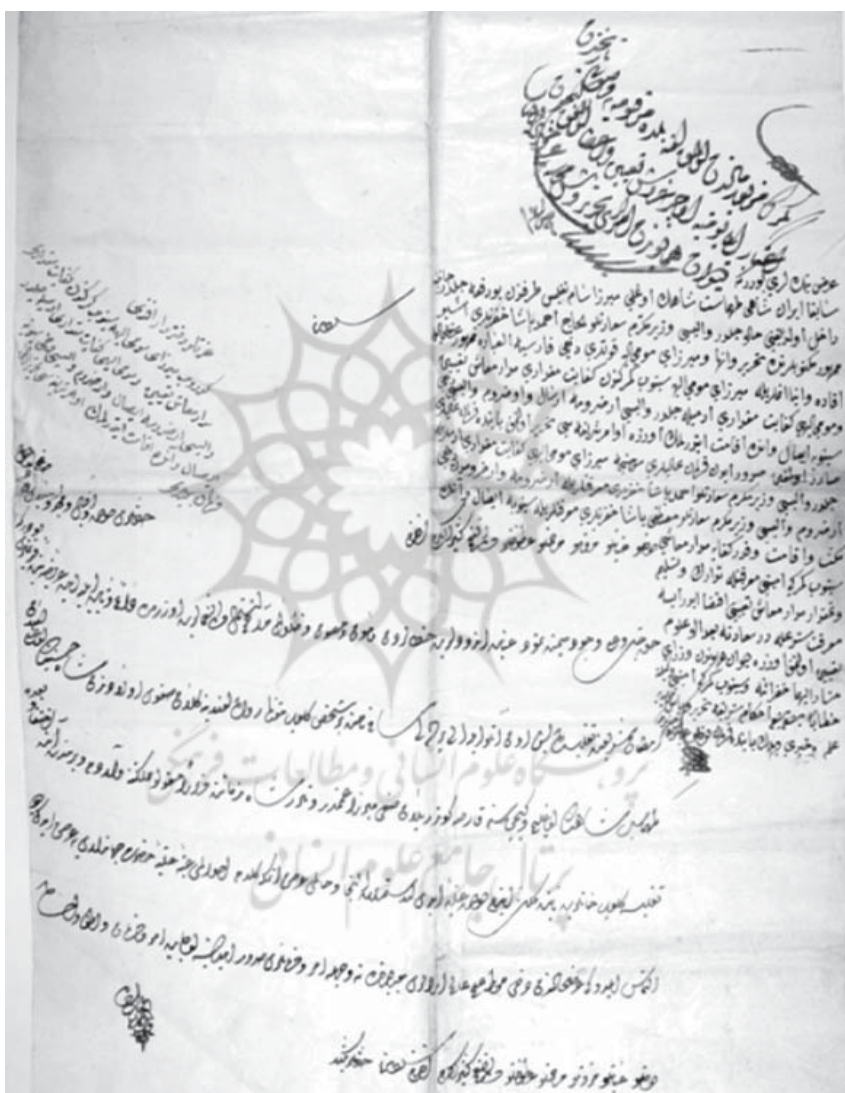
7. Çıldır

8. BOA, Cevdet HAriciye, no. 828, Tanh 9 Sefer 1171

9. در اینجا منظور از «خان‌ها»، زمامداران تفلیس نیست.



وی بر این امر که از خاندان صفوی و فرزند طهماسب است، تأکید می‌کرد و خواستار پناهندگی به دولت عثمانی بود. بدین منظور، نامه‌ای از طرف والی چلدر خطاب به مسئول حکومتی نگاشته شد. در این نامه به خواسته‌ی الی پردلی صفی مبنی بر پناهندگی و طلب حمایت، تأکید می‌شد و در باب وضعیت وی پرسیده شده بود.<sup>۱</sup> به جز نامه‌ی والی چلدر، نامه‌ی دیگری با همین مضمون به دولت عثمانی تقدیم شده بود.<sup>۲</sup>



پیام بهارستان / ۳، ش ۳، ۲۰۱۱ / بهار ۱۳۹۰

1. BOA,Cevdet Hariciye,no. 828, Tarih 9 Sefer 1171

۲. همان.

هر دو عنوانی که با نام الی پردلی صفی و میرزا سام در نامه ذکر شده است، مربوط به یک نفر است. [در نامه] آورده شده است: در نامه‌ای که پیش‌تر والی چلدر نوشته بود، نام الی پردلی صفی، فرزند طهماسب و شاهزاده ایرانی، دیده می‌شود که با نام میرزا سام بر آن تأکید شده است. می‌توان به نامه احمد پاشا - والی چلدر - به عنوان نامه دیگری که در مورد میرزا سام بحث می‌کند، اشاره کرد. در این نامه، نام وی با این امضا ثبت شده است: «مِن العبد الداعی، سام بن طهماسب بن حسین، مِّن شاهانِ ایران». با توجه به ذکر نام الی پردلی صفی در نامه والی چلدر با نام میرزا سام و امضای نامه - در نامه‌ای که پیش‌تر ذکر شد - این مسئله آشکار می‌شود که هر دو نام، مربوط به یک شخص است.

هنگام آمدن الی پردلی صفی از تفلیس به چلدر، پنج یا ده نفر سواره، وی را همراهی می‌کردند. در دو فرمان دیگری که در اواسط ذی القعدة سال ۱۱۶۰ ق صادر شده است، همراهان الی پردلی صفی، نه نفر ذکر شده است.<sup>۱</sup>

پس از آمدن الی پردلی صفی به چلدر، در مورد رفتن وی از آنجا به ارزروم و از ارزروم به سینوب سخن رانده شده است.<sup>۲</sup> انتقال وی و همراهانش به ارزروم با نفرت کافی توسط والی چلدر و از ارزروم به سینوب توسط والی ارزروم انجام شده است. درباره این موضوع و رساندن الی پردلی صفی به سینوب و اقامتش در آنجا، فرمان‌های متعددی صادر شده است. فرمان‌های گوناگونی، خطاب به وزیر احمدپاشا - والی چلدر -، وزیر مصطفی پاشا - والی ارزروم -، امین گمرک<sup>۳</sup> سینوب، قاضی، دژدار و اهالی آنجا نوشته شده است. بر اساس این فرمان‌ها، شاهزاده مذکور و همراهانش، توسط والی چلدر به ارزروم و توسط والی ارزروم به سینوب فرستاده شدند. پس از رسیدن به سینوب، تأمین شرایط محافظت و اقامت وی از قاضی، امین گمرک، دژدار قلعه و اهالی سینوب خواسته شده است.<sup>۴</sup>

پس از اینکه میرزا سام و همراهانش به سینوب وارد شدند، در فرمان‌هایی به مسئولان و اهالی سینوب، به دقت در مراقبت از این افراد تأکید شده<sup>۵</sup> و یاد شده بود که میرزا سام (الی پردلی صفی) و نه نفر از همراهانش، در مکان مناسبی در قلعه سینوب جای داده شوند و همچنین وضعیت آنان در آن روزگار به «در علیه» اعلام گردد. وضعیت شاهزاده ایرانی و همراهانش که در قلعه سینوب مقیم هستند، در اوامر جدیدی که بعداً صادر خواهد شد، مشخص می‌شود و در جهت انجام صحیح دستور، عمل نمایید. انتقال میرزا سام و همراهانش از سینوب به جایی دیگر، تا صدور فرمان بعدی ممنوع است و باید برای محافظت از آنان در

۱. همان.

۲. شمعدانی زاده از عموی میرزا سام با نام میرزا صفی سخن رانده است که وی نیز به دلیل دل شکسته بودن از عثمانیان گریخته بود و در اطراف توقات اسیر شده، در قلعه سینوب زندانی گردید. بعدها نیز به تبعید شدن وی به جزیره رودس اشاره کرده است (ص ۱۳۲).

3. Gümrük emini

4. BOA, Cevdet Hariciye, no. 828, Tarih 9 Sefer 1171

5. BOA, Mühimme Defteri, no. 153 no 145





اموال و دارایی‌های وی و همراهانش، در نامه دیگری، به استانبول اعلام گردید.<sup>۱</sup> در مدت اندکی که اموال میرزا سام ضبط گردیده بود، وی با ارسال نامه مهوری، خواهان بازگرداندن شدن اموالش شد. در این خصوص، درخواستی مبنی بر صدور فرمانی که خواهان بازگرداندن اموال و دارایی‌های ضبط شده بود، دیده می‌شود. دولت عثمانی به درخواست میرزا سام نظر مثبت داد و همه اموال ضبط شده او را پس داد. همه اموال باز گردانده شده نیز بر حسب قانون، در حضور وی، در دفتری که پیش‌تر [برای اموال ضبط شده] تهیه شده بود، قید گردید. پس از بازگرداندن همه اموال و دارایی‌ها، مقدار آنها مشخص گردید و سندی قانونی از آن تهیه شد. در پی آن، دستور فرستادن این سند به «در سعادت» صادر گردیده است.<sup>۲</sup>

در زمان اقامت میرزا سام در سینوب، مقرری معینی از طرف دولت برای گذران زندگی وی اختصاص داده شده بود.<sup>۳</sup> به منظور تأمین معاش، امین مقاطعه<sup>۴</sup> گمرک سینوب<sup>۵</sup>، موظف به تهیه و تدارک معاش کافی برای وی گردید.<sup>۶</sup>

بدین منظور در فرمان‌های صادره به امین مقاطعه گمرک یا وکیل (نائب) وی، دستور داده شده بود که مقرری معینی از درآمد مقاطعه اختصاص یابد و هر مقداری که لازم است، برای گذران زندگی سام میرزا، اختصاص داده شود؛ سپس این مقدار به «در سعادت» گزارش شود. از دفتردار آفندی نیز همین موضوع - یعنی اختصاص مقدار کافی از درآمد گمرک سینوب توسط امین گمرک یا وکیل وی، برای تأمین معاش (مدار معاش) - خواسته شده بود. همچنین، در دستوری که مبنی بر فرستادن وی به ارزروم و از آنجا به سینوب و اقامت در آنجا، توسط والی چلدر و والی ارزروم صادر شده بود، قید گردیده است. از تاریخ ورود سام میرزا به سینوب، پرداخت روزانه سه قروش (Kuruş) به وی، در فرمان‌های صادر شده از «دیوان همایون» دیده می‌شود؛ همچنین این رویه در «باش محاسبه»، قید شده است.<sup>۷</sup>

بعدها مقرری میرزا سام به شش قروش افزایش یافته است؛ بنابراین دانسته شد که پیش‌تر مقرری میرزا سام از درآمد مقاطعه گمرک سینوب، سه قروش بوده است که سپس به شش قروش افزایش یافت. شاهزاده مذکور، به محکمه سینوب رفته، قاضی را از دشواری زندگی خویش آگاه نمود و خواستار افزایش مقرری خویش گردید. بنا به گفته وی (میرزا سام)، به سبب داشتن زن و فرزند زیاد، با روزانه شش قروش مقرری، زندگی برایش سخت شده و دچار رنج گردیده است. محمد هادی، قاضی سینوب، به سخن میرزا سام توجه

1. BOA.Mühimme Defteri ,no 153 no 156 Evveli Zilkade 1160

۲. همان.

3. Evveli Zilkade 1160 BOA.Mühimme Defteri ,no 153 no 156

۴. برای اطلاع بیشتر در مورد این نوع مقاطعه، نک: ابراهیم گولر، سینوب در نیمه اول قرن ۱۸ (تاریخ تقسیمات اداری و اقتصادی)، رساله دکتری انستیتوی مطالعات ترکی دانشگاه مرمره، استانبول، ۱۹۹۲، ص ۱۱۵-۱۳۰.

5. (Sinop Gümürüğü Mukataası ).

6. BOA,Cevdet Hariciyye ,no 828 ,9 Sefer 1171

۷. همان.



میرزا سام در مدت اقامتش در سینوب، با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت.<sup>۱</sup>

سینوب، قریه کوچکی است در جزیره ای در ساحل شرقی دریای سیاه و در فاصله اندکی از ساحل غربی آن واقع است. این قریه در زمان شاهنشاهی قاجاریه در اختیار روسها بود و در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار به اهالی ایرانی واگذار شد. میرزا سام در این قریه اقامت داشت و در آنجا زندگی می‌کرد. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت.

سینوب، قریه کوچکی است در جزیره ای در ساحل شرقی دریای سیاه و در فاصله اندکی از ساحل غربی آن واقع است. این قریه در زمان شاهنشاهی قاجاریه در اختیار روسها بود و در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار به اهالی ایرانی واگذار شد. میرزا سام در این قریه اقامت داشت و در آنجا زندگی می‌کرد. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت.

به این سبب، پس از مدتی همراه ده نفر از همراهانش به جزیره لیمنی<sup>۲</sup> تبعید گردید<sup>۳</sup> و تعدادی از همراهانش که باقی مانده بودند، به ایران فرستاده شدند.<sup>۴</sup>

سینوب، قریه کوچکی است در جزیره ای در ساحل شرقی دریای سیاه و در فاصله اندکی از ساحل غربی آن واقع است. این قریه در زمان شاهنشاهی قاجاریه در اختیار روسها بود و در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار به اهالی ایرانی واگذار شد. میرزا سام در این قریه اقامت داشت و در آنجا زندگی می‌کرد. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت.

سینوب، قریه کوچکی است در جزیره ای در ساحل شرقی دریای سیاه و در فاصله اندکی از ساحل غربی آن واقع است. این قریه در زمان شاهنشاهی قاجاریه در اختیار روسها بود و در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار به اهالی ایرانی واگذار شد. میرزا سام در این قریه اقامت داشت و در آنجا زندگی می‌کرد. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت. او در این قریه با اهالی و ساکنان آنجا (اهل ولایت) زندگی خوشی نداشت.

پیام بهارستان / ش ۳، ص ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

1. BOA, Mühimme Defteri o 154 s 272 1Ramazan 1163  
 2. Limni  
 3. شمعدانی زاده، به تبعید شدن میرزا صفی، عمومی میرزا سام، همراه وی به جزیره رودس اشاره کرده است (ج ۱، ص ۱۳۲).  
 4. BOA, Mühimme Defteri o 154 s 272 1Ramazan 116 Ve no. 274 1 Ramazan 1163



یکی از شاهزاده‌ها یا میرزاهای ایرانی که به سینوب فرستاده شدند و در آنجا محبوس و مجبور به اقامت گردیدند، صفر غازی میرزا<sup>۱</sup> است. این شاهزاده از استانبول به سینوب آمده بود و بدین منظور، خرج راه نیز به وی پرداخت شده بود.<sup>۲</sup>



پیام بهارستان / ۳، س ۳، ش ۱۱ / بهار ۱۳۹۰

1. Sefer Gazi Mirza
2. BOA, Cevdet Hariciyye, no 8198

به صفر غازی میرزا نیز همانند شاهزاده‌های ایرانی دیگر (شیرین میرزا)<sup>۱</sup> که پیش‌تر خرج راه دریافت کرده بودند، خرج راه اعطا گردید<sup>۲</sup>. بر حسب عادت عثمانیان، پیش‌تر به شاهزاده‌هایی نظیر محمدشاه، شاه میرزا و سلیمان میرزا نیز، خرج راه داده شده بود. مقدار خرج راهی که برای هر نفر اختصاص داده شده بود، دویست قروش بوده است؛ در ضمن برای هر یک از همراهان آنان نیز پانزده قروش اختصاص داده شده بود<sup>۳</sup>.

همراه صفر غازی میرزا که با اجازه دولت از استانبول به سینوب آمد، سه نفر دیگر نیز دیده می‌شوند. صفر غازی میرزا، در مدت حضورش در «در علیّه»، برای راهی شدن به سوی سینوب درخواست خرج راه نمود. به این شاهزاده ایرانی، در مقایسه با میرزاهای پیشین، ۱۲۰ قروش و به همراهانش نیز نفری پانزده قروش، یعنی جمعاً ۴۵ قروش داده شد که در کل، ۱۶۵ قروش پرداخت گردیده است. با توجه به نیاز و ضرورت، میزان خرج راه به تصویب رسید و در «باش محاسبه» قید گردید و اجازه نامه آن نیز داده شد<sup>۴</sup>. مقدار خرج راه پرداخت شده به صفر غازی میرزا، نسبت به شاهزادگان پیشین که ۲۰ قروش بود، ۱۲۰ قروش بوده است؛ یعنی کاسته شدن شصت قروش از خرج راه، مشاهده می‌شود.



1. Şirin Mirzalar
2. BOA, Cevdet Hariciyye , no 819829 sefer 1192
3. BOA, Cevdet Hariciyye , no 8198 29 sefer 1192

۴. همان سند.